

موضوع:	رجال	پایه:	۹
تاریخ:	۹۶/۰۵/۲۵	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از مشایخ الثقات تا آخر کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره راره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. ما ذكره الكشي حول جماعة اشتهرت بأصحاب الإجماع من قبيل التوثيق ..... إلى صحّة أخبارهم. ج ۲۰۵  
 أ. الخاصّ و تهدف  ب. الخاصّ و لا تهدف  ج. العامّ و لا تهدف  د. العامّ و تهدف
۲. قال العلامة المامقاني: إن استثناء جمع من رجال نوادر الحكمة ..... ب ۲۹۵  
 أ. لا يقتضى الطعن فيهم لأنّ ردّ الرواية أخصّ من الطعن  ب. لا يقتضى الطعن فيهم لأنّ ردّ الرواية أعمّ من الطعن   
 ج. يقتضى الطعن فيهم لكون المستثنى غير ظاهر العدالة  د. يقتضى الطعن فيهم لوجوب اختلاف حكم المستثنى و المستثنى منه
۳. رواية الثقة عن شخص ..... على وثاقة مروى عنه و استجازته عنه ..... على كونه ثقة عند المستجيز. ج ۳۳۵-۶  
 أ. يدلّ - لا يدلّ  ب. لا يدلّ - يدلّ  ج. لا يدلّ - أيضاً لا يدلّ  د. يدلّ - أيضاً يدلّ
۴. به نظر مؤلف، کدام گزینۀ درباره کتاب «کافی» صحیح است؟ د ۳۷۵  
 أ. روایاته قطعیه الصدور كما اعترف به الكليني في صدر الكتاب  ب. القرائن الخارجيّة دلّت على لزوم الاعتماد على رواياته   
 ج. الأخبار الثابتة فيه إمّا متواترة أو مستفيضة  د. هو يشتمل على بعض ما لا يمكن القول بصحّته نقلاً و عقلاً

## تشریحی

- \* روى الشيخ الحرّ العاملى عن الصدوق فى «علل الشرائع» عن محمد بن الحسن عن الصفّار عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبى عمير عن محمد بن سنان ...
۱. آیا می توان به استناد سند فوق، محمد بن سنان را استاد ابن ابی عمیر دانست؟ چرا؟ ۲۱۷  
 خیر؛ چون اولاً محمد بن سنان از معاصرین ابن ابی عمیر است نه از مشایخ آن، و ثانیاً در برخی نسخه‌ها به جالی «عن محمد بن سنان» آمده است «و محمد بن سنان» و این حاکی از آن است که کلمۀ «عن» در برخی نقل‌ها، تصحیف از «واو» است.
- \* لو كان مذهب القدامى من الإمامية حجّية كلّ خبر يرويه إمامي لم يظهر فسقه لما صحّ للسيد المرتضى ادعاء الاتّفاق على عدم حجّية خبر الواحد و لو كان بنائهم على أصالة العدالة فى كلّ من لم يعلم حاله فلا معنى لتقسيم الرواة إلى الثقة و الضعيف و المجهول بل كان عليهم أن يوثقوا كلّ من لم يثبت ضعفه و من المعلوم ثبوت خلافه. ۲۳۱
۲. برخی می گویند: چون مبنای قداما بر «أصالة العدالة» بوده است، قائل شده‌اند به «التسوية بين مراسيل المشايخ الثلاث و مسانيد غيرهم». دو اشکال بر این دیدگاه وارد کنید.  
 اولاً اگر قداما بنای عمل به اخبار «من لم يظهر منه فسق» داشتند، پس چرا سید مرتضی ادعای اجماع بر عدم حجّیت خبر واحد کرده است. ثانیاً اگر بنای قداما بر اصالة العدالة بود دیگر وجهی نداشت روایات به ثقۀ و ضعيف و مجهول تقسیم شوند بلکه مجهول‌ها (من لم يثبت ضعفه) طبق این دیدگاه، ثقۀ می‌بودند و به جای تثلیث، سخن از تنبیه می‌بود.

- \* قال الشيخ فى ترجمة على بن الحسن الطاطرى: كان واقفياً شديد العناد فى مذهبه صعب العصبية على من خالفه من الإمامية و له كتب فى الفقه رواها عن الرجال الموثوق بهم و بروايتهم. ۲۸۰-۱
۳. أ. به کلام شیخ بر چه مطلبی استدلال شده است؟ ب. اشکال استدلال چیست؟  
 أ. استدلال: بر این مطلب که همه کسانی که علی بن حسن طاطری از آنها نقل کرده ثقۀ هستند.

ب. اشکال: نهایت چیزی که از عبارت شیخ استفاده می‌شود این است که طاطری در کتاب‌های خود تنها از ثقه نقل می‌کند اما اینکه وی به طور مطلق از ثقه نقل می‌کند، کلام شیخ بر این مطلب دلالت ندارد.

\* لا يصح القول بأن كل من ورد في أسناد تفسير علي بن إبراهيم القمي ثقات بتوثيق المؤلف في ديباجة الكتاب لأن التفسير ملفق مما رواه جامع التفسير عن القمي و مما رواه عن عدة من مشايخه عن مشايخه إلى المعصومين (ع) مع أن مراد القمي من عبارته في الديباجة: «رواه مشايخنا و ثقاتنا» خصوص مشايخه بلا واسطه و يعرب عنه عطف «ثقاتنا» على «مشايخنا». ۳۲۰

ع. مدعا و دو اشکال آن را بنویسید.

مدعا: اینکه قمی در ابتدای تفسیر خود روایات کتاب را توثیق کرد دلیل بر این است که همه کسانی که در سند روایات این کتاب واقع شده‌اند ثقات‌اند. اشکال: ۱. اولاً این تفسیر، تلفیقی است از آنچه که گردآورنده از قمی روایت کرده و از آنچه که از عده‌ای از اساتیدش (تا برسد به معصومین (ع)) نقل کرده و با وجود این تلفیق، نمی‌شود اعتماد کرد که آنچه در مقدمه کتاب آمده مشخصاً برای قمی است؛ ۲. بر فرض، مقدمه تفسیر برای خود قمی باشد در آنجا تعبیر «مشایخنا و ثقاتنا» آمده و این عطف، ظهور در آن دارد که مقصود مؤلف، خصوص رجال و اساتید بی‌واسطه بوده نه مطلق من وقع فی الأسناد.

\* قال ابن الغضائري: طعن التميمون على أحمد بن محمد بن خالد و ليس الطعن فيه إنما الطعن فيمن يروى عنه فإنه كان لا يبالي بمن أخذ على طريقة أهل الأخبار.

۵. أ. چرا عالمان قم، برقی را مورد طعن قرار دادند؟ ب. مقصود از «طريقة أهل الأخبار» چیست؟ ۳۴۹

أ. طعن آنها به سبب وجود اشکال و عیب در خود راوی (برقی) نبود بلکه به سبب کثرت نقل از ضعفاء بود. در واقع مروی‌عنه ایشان در موارد متعدد ضعیف است. ب. مقصود روش اخباری‌ها است که بدون ملاحظه و مذاقه اخبار را قبول کرده و به آن عمل می‌کنند بدون اینکه به مخبر آن خبر توجه کنند.

\* قال المحقق الداماد: إذا كان الإرسال بالإسقاط رأساً جزماً كما قال المرسل: «قال النبي (ص)» فهو يتم فيه إذ مفاده الجزم بصدور الحديث عن المعصوم فيجب أن تكون الوسائط عدولاً في ظنه و إلّا كان الحكم الجزم بالإسناد هادماً لجلالته و عدالته. ۳۸۴

۶. به نظر محقق، در چه صورت به مراسلات راوی اعتماد می‌شود؟ چرا؟

در صورتی که مرسل، روایت واسطه را به صورت جزمی و یقینی اسقاط کند (یعنی قرص و محکم، قول را به امام یا پیامبر (ص) نسبت دهد) در این صورت ارسال او موجه و تام خواهد بود؛ چون در این صورت معلوم می‌شود وسائط در نزد او عادل بوده‌اند که به طور کلی و قطعی حذفشان کرده و گرنه اسناد جازمانه به امام یا پیامبر (ص)، جلالت و عدالت مرسل را محل سؤال قرار خواهد داد.

\* من معاني «التفويض» أن يقال إن خلقه العالم فوضت إلى النبي (ص) و الأئمة (ع) فهم الخالقون و الرازقون و المدبرون للعالم. و هذا المعنى شرك و باطل.

۷. وجه شرک و بطلان را توضیح دهید. ۲۰-۴۱۹

اگر مقصود اهل تفویض از معنای فوق این باشد که خداوند امر خلق و تدبیر را به پیامبر (ص) و معصومین (ع) واگذار کرده و خود عزلت‌گزیده است و دیگر دخالتی نمی‌کند، این مصداق شرک و کفر است که عقل و برهان برخلاف آن شهادت می‌دهند و آیات قرآن نیز برخلاف آن هستند و اگر منظورشان این است که پیامبر (ص) و ائمه (ع) از اسباب خلق و تدبیر عالم هستند و خداوند سبب واقعی است که به عزلت هم نرفته است، این معنا گرچه موجب شرک نیست، باطل است؛ چون آن بزرگواران در مرتبه اسباب و علل نیستند بل هم یستفیدون من تلك الأسباب الطبيعية و تتوقف حياتهم على وجود العلة و الأسباب المادية.

❖ قد تعجب صاحب «سما المقال» عن الشيخ في تهذيبه حيث نقل رواية عن الكليني و ادعى أنها مرسله مع أنه من باب التعليق. ٤٥١

٨. أ. «تعليق» چیست؟ ب. فرق ارسال و تعليق را بنويسيد.

أ. تعليق يعنى صدر سند روايت را حذف كنند و دليل حذف، ابتناء خبر محذوف السند بر خبر سابق الذكر (و غير محذوف السند) باشد.

ب. در ارسال، انقطاع سند، معلول ابتناى خبر بر خبر سابق نيست لكن در تعليق معلول آن است. لذا ارسال فى الجملة عيب است برخلاف تعليق.

٩. به موارد زير پاسخ دهيد.

أ. نسبت كتاب و تصنيف (در نظر مشهور): كتاب اعم از تصنيف است (عموم و خصوص مطلق).

ب. تعريف «اصل»: هو الكتاب الذى يمتاز عن غيره بأنه جمع فيه. مصنّفه الأحاديث التى رواها عن المعصوم ﷺ أو عن الراوى عنه. ٤٧٥

ج. نظر مؤلف در معنای كلام محقق طهرانى در ذريعه: «قول أئمة الرجال فى ترجمة أحد أن له أصلاً يعدّ من ألفاظ المدح»:

معناه أنه يكشف عن وجود مزايا شخصيّة فيه من الضبط و الحفظ و التحرّز عن بواعث النسيان و الغلط و السهو. ٤٨٦

د. مؤلف كتاب «اللئالى المصنوعة فى الأحاديث الموضوعة»: جلال الدين سيوطى. ٤٨٨